

## بررسی مکتب روان شناسی به عنوان مکتب روان شناسی واقع بینانه، معیار و هماهنگ کننده و لزوم آشنائی دانشجویان با آن

### ISLAMIC SCHOOL OF PSYCHOLOGY AS A COORDINATIVE SCHOOL

S.A. Hosseini, M.D. (1)

There is no doubt that human beings have only one psychic apparatus. Each school of psychology has studied this psychic apparatus through its own special approach. At present we have numerous schools of psychology having in some respects contradictory points of views. Consequently, we need a criterion school of psychology in order to evaluate and coordinate these schools and to correct their deviations.

It seems that Divine school of psychology, which has been organized by the creator of men can and should be considered as the criterion. One can discover the essence of the Divine school of psychology in its intact form in Islam. Islam introduces psychology as the baseline of all sciences and as the essential key to gian psychic development. Practical criteria of mental health and mental illnesses have been clearly defined in this school. In addition, the Islamic School of psychology has given clear definitions for the Nature of the life factor and its dimensions and essential processes of psyche, namely conscience and passion.

عقل تجربی، شهوت.

#### خلاصه

شکی نیست که انسان یک سازمان روانی بیشتر ندارد و یک مکتب واقع بینانه و همه جانبه می تواند تمام ابعاد طبیعی و مرضی مربوط به فعل و انفعال های روانی انسان را تبیین نماید.

بررسی مکتب روان شناسی به عنوان  
مکتب روان شناسی واقع بینانه، معیار و  
هماهنگ کننده و لزوم آشنائی  
دانشجویان با آن

دکتر سید ابوالقاسم حسینی (۲)  
دکتر ابراهیم عبداللهیان (۳)

1. Professor of Psychiatry

۲- استاد گروه روان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد

۳- دانشیار دانشگاه علوم پزشکی مشهد

کلید واژه ها: مکتب روان شناسی اسلامی، مکتب روان شناسی واقع بینانه، مکتب روان شناسی هماهنگ کننده، عقل فطری، فطرت (فطرت اصلی، فطرت تبعی)،

گردند و بالاخره انجام آن به مجری طرح واگذار شد. در این مقاله مهم‌ترین اختلاف نقطه‌نظرهای اسلامی با نظرهای مادی مورد بررسی قرار می‌گیرند. و ارائه سایر دستاوردها به تدریج در مقاله‌های دیگر ارائه خواهند شد.

### روش کار

این پژوهش به سئوالهای اصلی زیر جواب می‌دهد:

- ۱- آیا انسان و سایر موجودهای زنده فقط مجموعه‌ای از ملکولها هستند یا یک عامل غیر شیمیائی نیز در آنها نقش دارد؟
- ۲- هر انسان دارای چند هویت (Identity) و چند ساختار روانی (Psychic apparatus) می‌باشد؟ آیا در هویت و ساختار روانی انسان یک عامل نقش دارد یا دارای ابعاد مختلف می‌باشد؟
- ۳- چند مکتب روان‌شناسی برای توجیه تمام ابعاد مربوط به جنبه‌های طبیعی و مرضی انسان مورد نیاز می‌باشد؟
- ۴- آیا می‌توان از روان‌شناسی اسلامی به عنوان مکتب معیار و هماهنگ کننده استفاده کرد یا خیر؟

کلید اصلی برای جوابگویی به سئوالها و جنبه‌های فوق، دیدگاه «اصالت روان» می‌باشد و می‌توان گفت اعتقاد و یا عدم اعتقاد به اصالت روان، فرقی عمده دیدگاه ادیان توحیدی با سایر نظریه‌پردازان می‌باشد.

استاد محمدباقر حکمت‌نیا معتقد است که در کشف نقطه‌نظرهای اسلامی در علوم، می‌توان و باید از چهار منبع اساسی زیر استفاده نمود (۱۵):

- ۱- کتاب الهی
- ۲- سنت، شامل آموزشهای پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع)
- ۳- فطرت
- ۴- علوم حاکم بر جهان

بر اساس رهنمود فوق که کاملاً عقلانی است، ما در این پژوهش از منابع فوق استفاده کردیم و در بررسی علوم حاکم بر جهان از زیست‌شناسی و روان‌شناسی و روان‌پزشکی بهره‌مند شدیم. در مورد استفاده از قرآن مجید و متون اسلامی، علاوه بر کتابهای مدونی که توسط دانشمندان اسلام در این زمینه تدوین شده‌اند، از روش حل مشکل برای اطمینان از یافته‌های خود با

پیامبر اسلام (ص) تعریف برداشت واقع بینانه و علمی رابه این صورت بیان می‌کند: «خدایا هرچیز را آن چنان که هست به من بنمایان». این برداشت صددرصد واقع بینانه است و به عبارت دیگر، «روان‌شناسی اسلامی» یعنی «روان‌شناسی انسان آن چنان که هست». اسلام به غیرمادی بودن روان تأکید می‌کند و ساختار شخصیت را ترکیبی از ساختار عقلانی و شهوت می‌داند. علی‌علیه‌السلام ساختار عقلانی را مرکب از عقل فطری و عقل تجربی معرفی می‌کند و امام صادق علیه‌السلام، مغز را به عنوان مرکز عقل تجربی مطرح می‌نماید. از دیدگاه پیامبر اسلام (ص) بین عقل فطری و شهوت کشمکش دائمی وجود دارد و در هر لحظه هرکدام از نیروهای فوق سعی می‌کند حاکمیت شخصیت را به عهده گیرد. امام خمینی (رض) و علامه طباطبائی (ره) کلیه آموزشهای الهی - اسلامی را ابزاری برای شکوفایی فطرت و کنترل شهوت معرفی می‌کنند. این مکتب به عنوان مکتب معیار می‌تواند کلیه مکتب‌های روان‌شناسی معاصر و مکتب‌هایی را که از ابتدای تاریخ علم مطرح شده‌اند، بررسی و تجزیه و تحلیل نماید.

### مقدمه

این مقاله گزارش یک طرح تحقیقی است که هدف کلی آن، کشف جنبه‌های احتمالاً انحرافی در محتوای درسهای روان‌شناسی عمومی و روان‌پزشکی نظری دانشجویان پزشکی و اضافه کردن رهنمودهای مکتب اسلام در مورد آنها می‌باشد.

علی‌رغم ملحوظ شدن نقطه نظرهای مکتب اسلام، در درس روان‌شناسی عمومی دانشجویان پزشکی که خوشبختانه در سال ۱۳۵۹ توسط مجری طرح پیشنهاد و ارائه آن در ۸ ساعت به تصویب ستاد انقلاب فرهنگی رسید و به دانشگاه‌ها ابلاغ گردید، و همچنین ارائه و انتشار نقطه نظرهای مکتب روان‌شناسی اسلامی از حدود ۱۸ سال قبل، متأسفانه هنوز جنبه‌های مطرح شده در برنامه، برای دانشجویان تدریس نمی‌گردند. در جلسه‌ای که با شرکت استادان منتخب دانشگاه‌ها در سال ۷۶ در معاونت پژوهشی وزارت بهداشت برگزار گردید، این موضوع مورد بررسی قرار گرفت و با پیشنهاد مجری طرح قرار شد این نقطه نظرها به صورت طرح درس تهیه گردند تا نقطه نظرهایی که باید تدریس شوند برای استادان مشخص

وجود دارد، در هیچ رشته علمی دیگری به این اندازه نیست. برداشتی که به عنوان نظریه علمی در این رشته مورد تأکید قرار می‌گیرد، الزاماً یک جنبه واقع بینانه نیست، بلکه برداشتی است که فقط به «حسن» و «تجربه» تأکید می‌کند و برداشتهای عقلانی را از آن نظر که «حسی نیستند» غیر علمی می‌پندارد. دکتر سیروس عظیمی که کتابش تحت عنوان «اصول روان‌شناسی عمومی» هم اکنون به عنوان کتاب مرجع معرفی می‌گردد، روح را به عنوان نام یکی از خدایان افسانه‌ای یونان قدیم که در ابتدا زندگی بشری و فناپذیر داشته و بعداً در زمره خدایان درآمده و جاویدان گردیده است، معرفی می‌نماید و معتقد است اعتقاد به روح یا روان نیز ناشی از این افسانه جاودانی است (۲۷).

دکتر تقی ارانی که هم اکنون نیز نوشته‌های ایشان توسط ماتریالیست‌ها مورد استشهاد قرار می‌گیرد معتقد است: «اجزای ماده در صورتی که رابطه زمانی و مکانی مخصوصی نسبت به هم پیدا کنند ذیروح می‌شوند و روح عبارت از همان رابطه اجزای ماده ذیروح است. هر وقت این ارتباط مخصوص تغییر شدید پیدا کند، ماده بی‌روح می‌شود و چنین به نظر می‌آید که جزء مخصوصی از موجود زنده از بین رفته است (۴).

اپارین با ذکر واقعیت‌های علمی زیست‌شناسی مخصوصاً تأکید بر هدفداری اورگانیزم زنده که او با مفهوم «تضمن مقصود» عام سازمان موجودات زنده «آنها مطرح می‌سازد به صورت زیر نتیجه‌گیری می‌کند: «حیات ماهیتی مادی دارد (۵)، اما خواص آن محدود به خواص ماده به صورت عامش نیست. فقط موجودات زنده دارای حیاتند. حیات شکل مخصوصی از حرکت ماده است» (۵).

دکتر ملک نیا و دکتر شهبازی نیز در کتاب بیوشیمی خود پیامهای زیر را مطرح می‌کنند:

موجودات زنده از ملکولهای بی‌جان ساخته شده‌اند. هنگامی که این ملکولها به‌طور جداگانه و تک‌تک مورد مطالعه قرار گیرند، از همگی قوانین فیزیکی و شیمیائی شناخته شده متابعت می‌نمایند. معذک موجودات جاندار دارای صفاتی می‌باشند که تجمع ساده مواد مختلف با یکدیگر را دارا نمی‌باشند (۱).

اگر بپذیریم که جانداران نیز مانند اجسام بی‌جان از تعداد زیادی مولکولهای شیمیائی ساخته شده‌اند، پس علت وجود

استادان حوزه و دانشگاه در ضمن نشست‌های اختصاصی در این مورد تبادل نظر کرده‌ایم.

### تعریف روان‌شناسی اسلامی

پیامبر اسلام (ص) برداشت علمی رابه صورت یک دستورالعمل کلی در جمله زیر بیان می‌نماید: «رب ارنی الاشیاء کماهی» یعنی خداوند هر چیز را آن چنان که هست به من بنمایان. براساس برداشت فوق، که بهترین تعریف برداشت علمی را نشان می‌دهد، روان‌شناسی اسلامی یعنی «روان‌شناسی انسان آن چنان که هست و آن چنان که خداوند آفریده است».

روان‌شناسی انسان موقمی می‌تواند به عنوان روان‌شناسی علمی مطرح شود که بتواند تمام واقعیت‌های مربوط به فعل و انفعال‌های روانی و تمام جنبه‌های وابسته به آنرا کشف نماید و از هرگونه تناقض دور باشد.

در کشف اصول روان‌شناسی اسلامی باید توجه داشت که در قرآن مجید می‌توان اصولی را کشف نمود ولی در سایر متون اسلامی، نیز به ذکر اصول اکتفا شده و تحقیق در جنبه‌های فرعی و کار بر روی آن به عهده محققان اسلامی واگذار شده است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «ما من امر یختلف فیه اثنان الا وله اصل فی کتاب الله لکن لا تبلیغه عقول الرجال». یعنی هیچ امری نیست که دو نفر در مورد آن اختلاف پیدا کنند مگر آنکه در مورد آن، اصلی در کتاب خداوند موجود است ولی عقول مردم به آن پی نمی‌برند (۲۸).

دستورالعمل کلی دیگر که توسط امام رضا (ع) صادر شده است: «علینا القاء الاصول و علیکم ان تفرعوا» یعنی بیان اصول کلی به عهده ما و پرداختن به فروع به عهده شما است (۶). این رهنمود در تمام علوم مربوط به انسان قابل استفاده است (۸).

### نتایج

اختلاف کلیدی نقطه‌نظرهای اسلامی با نقطه‌نظرهای مادی را می‌توان تأکید محققان مادی بر نظریه مکانیستی حیات دانست. در نتیجه، این جنبه با تفصیل نسبی مطرح می‌گردد.

### بررسی نظریه مکانیستی حیات

به نظر می‌رسد اختلافی که بین دانشمندان مکتبهای مختلف

درآیه ۸۵ سوره اسراء نیز چنین آمده است: «وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي».

در تفسیر آیه فوق از امام صادق (ع) در مورد چیستی روان سؤال می‌گردد. ایشان به این صورت جواب می‌دهند: «التي في الدواب والناس». یعنی همان عاملی است که در تمام جنبنده‌ها و انسان وجود دارد.

با این برداشت می‌توان مفهوم روان را می‌توان به نام «عامل حیات» به کار برد و در این مقاله، از همین روش استفاده می‌کنیم. امام صادق (ع) تمام فعل و انفعال‌های مغزی مانند قدرت تفکر، تعقل و حافظه را بر اساس وجود ذهن ادراک کننده توجیه می‌نماید که به وسیله خداوند متعال در انسان به وجود آمده است و در اثر آن قادر به تفکر و سخن گفتن و کتابت می‌شود (۳۲).

استاد مطهری دفاع از اصالت روان را به صورت زیر مطرح می‌کند:

«زندگی خود به خود نیروئی است مخصوص و کمالی است علیحده و فعلیتی است علاوه که در ماده پیدا می‌شود و آثار و فعالیت‌های متنوع و علاوه خود را بروز می‌دهد».

این استاد، تحقیقات انجام شده در زیست شناسی را به عنوان وسیله‌ای برای اصالت نیروی حیاتی قلمداد می‌نماید و با زیست شناسانی که در تحقیق‌های خود اشاره به اصالت نیروی زندگی نموده‌اند و آنرا نیروئی جداگانه دانسته و آثار زندگی را معلول این نیرو می‌دانند و نه ترکیب و جمع و تفریق و تألیف بین اجزاء ماده، هماهنگ می‌گردد (۳۵ و ۳۴).

باید توجه داشت که روان خود یک واقعیت است که دارای انرژی و حرکت می‌باشد. منتهی ماهیت آن با ماهیت عناصر شیمیائی متفاوت است. وقتی مشاهده می‌نمائیم که در متون اسلامی در مورد خداوند نیز امکان اطلاق شییی وجود دارد، به طریق اولی، اطلاق شییی در مورد روان نیز صادق می‌باشد.

بنابراین، حداکثر ادعای روان شناسی الهی این است که روان از جنس عناصر مادی نیست ولی خود یک شییی و واقعیت و دارای انرژی و حرکت می‌باشد که تمام آثار حیات ناشی از آن است.

پروفسور آراسته ضمن تأکید بر اصالت روان از پرداختن به چیستی آن منع می‌کند و چنین می‌بینیم: «بحث این که انسان»

اختلافات ذکر شده بین ماده جاندار و بی جان چیست؟

چرا ماده جاندار دارای آن چنان خصوصیتی است که با مجموعه خواص ساده مواد سازنده آن قابل توجیه نمی‌باشد؟ دکتر ملک نیا و دکتر شهبازی به سؤال فوق چنین پاسخ می‌دهند؟

تا آنجا که دانش امروزی، راهنمای ما در پاسخ‌گویی به سئوالهایی نظیر سئوالهای فوق می‌باشد، این‌طور استنباط می‌شود که ملکولهای سازنده ماده جاندار از همگی قوانین فیزیکی و شیمیائی شناخته شده در مورد ماده بی‌جان متابعت می‌نمایند ولی اضافه بر این، پیوند بین ملکولها در جانداران از اصول دیگری نیز پیروی می‌نماید که آنها را بطور کلی «منطق ملکولی حیات» می‌نامند. این اصول الزاماً شامل قوانین فیزیکی و یا نیروهای ناشناسی نبوده، بلکه همان قواعد کلی می‌باشند که بر ماهیت، اعمال و پیوندهای ملکولهای خاصی که در موجودات زنده یافت می‌شوند حکمفرمائی نموده و به آنها این امکان را می‌دهند که به خود سازمان داده و همانند سازی نمایند (۲۱).

### نظریه اصالت روان

نظریه اصالت حیات (Vitalism) قدمت تاریخی و قدیمی دارد و دوبرزانسکی معتقد است که اولین بار توسط ارسطو ارائه شده است (۳۷).

تأکید بر نظریه اصالت روان یکی از اصول مکتب روان شناسی اسلامی می‌باشد که به صورت خلاصه به آن اشاره می‌شود.

در قرآن مجید ترکیب انسان از عناصر شیمیایی و روان مورد تأکید قرار گرفته است و شرافت روان انسان به حدی است که مسجود فرشتگان قرار می‌گیرد. مفهوم فوق در آیات متعددی مورد تأیید قرار گرفته که به عنوان مثال به آیات مطرح شده در سوره حجر (آیات ۲۸ تا ۳۱۳، سوره زمر (آیات ۷۱ تا ۷۳)، سوره سجده (آیات ۷ تا ۹) اشاره می‌کنیم و آیات ۷۲-۷۱ سوره زمر را مطرح می‌سازیم: اذ قال للملائكة اني خالق بشراً من طين. فاذا سويت و نفخت فيه من روحي فقعوا لله ساجدين. يادآور زمانی را که پروردگار تو به فرشتگان گفت می‌خواهم آدمی را از گل خلق نمایم. چون آنرا تمام گردانیدم و از روح خود در آن دمیدم، او را سجده کنید (۱۱ و ۹۰).

براساس این آموزش می‌توان گفت ساختار عقلانی انسان از دو بعد زیر تشکیل شده‌است:

۱- عقل فطری (عقل مطبوع یا عقل طبیعی)

۲- عقل اکتسابی غیر فطری (غیر مطبوع = عقل تجربی)

منظور از عقل فطری یا طبیعی، قسمت اعظم جریان فطرت انسان می‌باشد. در فطرت انسان جنبه‌های عاطفی نیز وجود دارند و به عنوان مثال، تمایل به افراد هم فکر و دشمنی نسبت به افرادی که با آنها ضدیت دارد، یکی از تظاهرات بُعد عاطفی فطرت می‌باشد. ارجحیت بُعد عقلانی در فطرت به اندازه‌ای است که در آموزشهای اسلامی در اغلب موارد به جای لغت فطرت، کلمه «عقل» به کار رفته است.

عقل فطری جز فطرت چیز دیگری نیست. فطرت و عقل فطری در بدن انسان مرکز خاصی ندارند و مغز که به عنوان مرکز تعقل معرفی گردیده، مرکز عقل تجربی می‌باشد. در حقیقت فطرت، خاصیت اصلی عامل حیات در انسان، بدون تماس با ماده است.

علی (ع) عقل فطری را عامل و ادا کننده به عدل و بازدارنده از رفتارهای سقوط دهنده می‌داند (۲) (۱۶ و ۳).

اینجانب مشخصه‌های عقل فطری (فطرت)، عقل تجربی و شهوت را در سایر نوشته‌های خود ذکر نموده‌ام (۱۳، ۱۲، ۱۱).

### معرفی مغز به عنوان مرکز تعقل

امام صادق (ع) مغز را به عنوان مرکز تعقل معرفی می‌نماید و چنین می‌بینیم: «موضع العقل الدماغ»، یعنی مرکز تعقل مغز است. همچنین ابن عباس نقل می‌نماید که خداوند به داود (ع) وحی فرمود که «در مورد چهارده مطلب از سلیمان سؤال کند و اگر جواب گوید علم و نبوت را به او ارث دهد» هر یکی از سئوالها چنین آمده است: «پسرم مرکز عقل در تو کجاست؟» و او

چیز است، مانند بحث در چیستی آفریدگار بی نتیجه است. همان طور که آفریدگار را باید از طریق مظاهر خلقت شناخت، انسان هم از طریق خلق و ایجاد و آفرینندگی به خودشناسی می‌رسد. یعنی از طریق تحقق دادن به تصورات خلاق است که انسان به خویشی خویش پی می‌برد و موجبات شکفتگی و توسعه دامنه آگاهی را فراهم می‌آورد و به حالت رضایت خود معنی دادن به زندگی فردی و جمعی کمک می‌نماید (۱).

### ساختار شخصیت از دیدگاه روان‌شناسی اسلامی

از دیدگاه روان‌شناسی اسلامی، هر انسان فقط دارای یک هویت یا به اصطلاحی که قرآن مجید به کار می‌برد «یک قلب» می‌باشد، که به طور کلی با مفهوم «نفس» مورد بررسی قرار می‌گیرد. نفس انسان یا ساختار روانی او دارای دو بُعد می‌باشد که با مفهوم «عقل و شهوت» مطرح گردیده است. علی (ع) ساختار شخصیت انسان را به صورت زیر بیان می‌نماید:

«فرشتگان از عقل محض و حیوانات از شهوت محض آفریده شده‌اند. در انسان هردو نیرو وجود دارد، اگر انسان قدرت کنترل شهوت را پیدا کند از فرشتگان برتر است و اگر شهوت بر عقل او غلبه نماید از حیوانات پست تر می‌باشد» (۳۰ و ۲۹ و ۲۵ و ۲۲).  
به منظور آسان شدن درک مطلب می‌توان عامل حیات را به الکتروسیته تشبیه نمود. الکتروسیته قدرت فعال کردن ابزار مختلف را دارد ولی علاوه بر آن، خود هویت اختصاصی دارد که وابسته به ابزار نیست. عامل حیات در تماس با ملکول و تشکیل سلولها، بافتها و سیستم‌های اختصاصی، منجر به بروز نیازها و تمایل‌های اختصاصی می‌گردد که در مجموع به نام شهوت نامیده می‌شود. عامل حیات بدون تماس با ملکول خود، هویت اختصاصی دارد که به نام فطرت نامیده می‌شود.

### ساختار عقلانی انسان

علی (ع) ساختار عقلانی انسان را متشکل از دو جزء سازنده به صورت زیر معرفی می‌کند:

رأیت العقل عقلمین فمطبوع و مسموع و لاینفع المسموع اذا لم یکن المطبوع. عقل بر دو قسم است: مطبوع و مسموع. عقل مسموع (تجربی) انسان را نفع ندهد چنانچه عقل مطبوع وجود نداشته باشد (۱).

۱- (شیخ صدوق: علل الشرایع (ترجمه مسترحمی) کتابفروشی مصطفوی صفحه ۲۱-۲۰)

۲- غریزة العقل تحدوا علی لاستعمال العدل: خصل و خوی عقل و خرد، انسان را بر عدل کردن و ادا می‌نماید (غررالحکم، ج ۴ ص ۳۷۹).

غریزة العقل تأبی ذمیم الفعل: خصلت و خری عقل و خرد از کار زشت و نکوهیده سرباز می‌زند (غررالحکم، ج ۴ ص ۳۷۹).

متأسفانه در حال حاضر نظریه مادی با تأکید صرفاً بر حس به عنوان نظریه حاکم و غالب در مراکز علمی جهان و از جمله کشور جمهوری اسلامی ایران تدریس می‌شود و علم روان‌شناسی نیز از این روند پیروی می‌کند.

چنانچه مشاهده شد بعضی از مؤلفان کتابهای روان‌شناسی، روان را نفی می‌کنند و آنرا به عنوان یک نیروی مرموز معرفی می‌نمایند که جنبه افسانه‌ای دارد.

جالب این است که آنها ادعا می‌کنند براساس قانون علت و معلول عمل می‌نمایند و برای هر حادثه، علتی را جویا می‌شوند، ولی عاملی را که تمام بررسی‌ها و نتیجه‌گیری‌های آنها به آن وابسته است و بدون آن، هیچ‌گونه علمی درجهان قابل تصور نیست، نفی می‌نمایند و بنا بر آن چه آلپورت می‌گوید: «روان‌شناسی بدون روح» را بنیان می‌نهند. آلپورت می‌گوید: «روان‌شناسی به صورت جدی خود را از مذهب جدا کرده است و در نتیجه روان‌شناسی بدون روح، به‌عنوان علامت شاخص و افتخار آن مطرح گردیده است» (۳۶).

چنانچه در برداشتهای اپارین ذکر شد تنها «پیوند بین ملکولها» عامل به‌وجود آمدن تمام اعمال حیاتی و روانی اورگانیزم زنده معرفی می‌گردد. حال چه‌گونه قرار گرفتن ملکولهای شیمیائی در کنار هم منجر به ارتباط حیاتی می‌گردد؟ یقیناً جواب قانع‌کننده‌ای ندارد.

تصور جهان ملکولی بدون عامل حیات، بروز هیچ حرکت و علمی را ممکن نمی‌سازد. به‌طور فطری و عقلانی به‌نظر می‌رسد که مدافعان نظریه مکانیستی یک مطلب غیر واقعی را مطرح می‌سازند و با یک واقعیت بدیهی مخالفت می‌کنند و شاید به همین علت آبراهام مازلو معتقد است که آنها اختلال شناختی دارند (۳۳). در این مقاله به‌طور اجمال دفاع‌های موافق و مخالف نظریه مکانیستی حیات را مطرح ساختیم. نکته جالب این است که دوپزانسکی (Dubzhansky) که خود از نظریه مکانیستی حیات دفاع می‌کند معتقد است از دیدگاه علم معرفت‌شناسی (Epistemology) که مسئولیت اعتبار علوم مختلف را به عهده دارد، نظریه مکانیستی حیات در این شکل انحصارگرایانه عناوینی را مانند سازمان

جواب داد: «مغز» (۱۴، ۳۱). این آموزش که به صورت کلی مطرح شده است ما را متعهد می‌نماید که به منظور فهم اعمال و رفتار و رابطه‌های انسانی، مغز را به‌طور کامل مورد بررسی قرار دهیم و تمام جنبه‌های مربوط به آن را مانند تشریح، بافت‌شناسی، وظائف الاعضاء، شیمی، آسیب‌شناسی و نقش عاملهای مختلف را بر آن و رابطه‌های متقابل آنرا با سایر عضوها مطالعه نمائیم. وقتی این برداشت را که تاریخ آموزش آن به ملت‌های موحد، به زمان پیامبران بنی اسرائیل بر می‌گردد مورد توجه قرار دهیم، بسیار راهگشا است.

### بحث

به‌طور اختصار می‌توان گفت که روش علمی رویه‌ای است که با استفاده از آن محقق راهنمایی می‌شود که حقیقت‌ها و واقعیت‌ها را جمع‌آوری، تفسیر، تبیین و اثبات نماید (۱۹).

علی‌رغم ادعای مدافعان نظریه مکانیستی حیات که دید خود را علمی می‌خوانند، نظر آنها به هیچ وجه با واقعیت تطبیق نمی‌کند و امام خمینی (رض) علت عدم دستیابی آنها را به واقعیت به صورت زیر بیان می‌کند:

«مادیون معیار شناخت در جهان بینی خویش را حس دانسته و چیزی را که محسوس نباشد، از قلمرو علم بیرون می‌دانند و هستی را همتای ماده دانسته و چیزی را که ماده ندارد، موجود نمی‌دانند. قهراً جهان غیب مانند وجود خداوند تعالی و وحی و نبوت و قیامت را یک سره افسانه می‌دانند. درحالی که معیار شناخت در جهان بینی الهی اعم از حس و عقل می‌باشد و چیزی که معقول باشد، داخل در قلمرو علم می‌باشد، گرچه محسوس نباشد. لذا هستی اعم از غیب و شهادت است و چیزی که ماده ندارد می‌تواند موجود باشد» (۱۷).

با این برداشت، تعریف «مفهوم علمی» باید عوض شود.

در حقیقت، روش تجربی را می‌توان جزئی از علم روان‌شناسی با مفهوم کلی خود تلقی کرد که با اعتقاد به اصالت روان نیز تضادی ندارد و می‌تواند به عنوان یک رشته مستقل وارد عمل شود. ولی حتی روان‌شناسی تجربی نمی‌تواند با نظر مکانیستی حیات توجیه شود.

وانسان امکان پذیر است.

براساس استدلالهای فوق، اصول روان شناسی اسلامی مانند وجود روان و ابعاد متضاد آن تحت عنوان فطرت و شهوت و فعل و انفعالهای بین آنها و سایر جنبه‌هایی که مکتب روانشناسی اسلامی از آنها بحث می‌کند، می‌تواند با مفهوم «علمی» مطرح شوند. این جنبه‌ها اگرچه باحواس ظاهری قابل لمس نیستند ولی با استدلال و بینش عقلانی، وجود آنها را در خود حس می‌کنیم و همچنین نمود و آثار آنها را می‌توانیم به صورت حسی درآوریم.

به نظر می‌رسد ما می‌توانیم مجموع آموزشهای اسلام در مورد روان‌شناسی را که به طور اجمال به آن اشاره شد تحت عنوان روان‌شناسی اسلامی مطرح سازیم و بر اساس واقع‌گرایی موجود در آن، آنرا به عنوان «مکتب روان‌شناسی هماهنگ‌کننده معیار» مورد استفاده قرار دهیم.

شاخص اصلی حاکم بر مکتب روان‌شناسی معیار، واقع‌گرایی آن می‌باشد و بنابه تعبیر قرآن مجید (رعد: ۱۷) این معیار تنها شاخص عملی برای یک نظریه ماندگار در جوامع انسانی است.

#### روش استفاده از مکتب روان‌شناسی معیار

همانطور که ذکر شد با یک بررسی همه‌جانبه می‌توان به این نتیجه رسید که انسان یک سازمان روانی (Psychic apparatus) بیشتر ندارد. در طول تاریخ و در زمان معاصر هر مکتب روان‌شناسی این سازمان روانی را از دیدگاه خاص خویش مورد مطالعه قرار داده است.

در حال حاضر ده‌ها مکتب روان‌شناسی داریم که نقطه نظرهای بعضی از آنها با یکدیگر متناقض هستند. به نظر می‌رسد یک مکتب روان‌شناسی واقع بینانه فراگیر و همه جانبه بتواند کلیه ابعاد روانی انسان را در حالت سلامت و بیماری توجیه و تفسیر نماید.

دیاگرامی را که ملاحظه می‌نمائید می‌توان در مورد نقش هماهنگ‌کننده مکتب روان‌شناسی واقع بینانه با سایر مکتبهای روان‌شناسی مطرح ساخت که با روش علمی انجام این نقش را به عهده می‌گیرد.

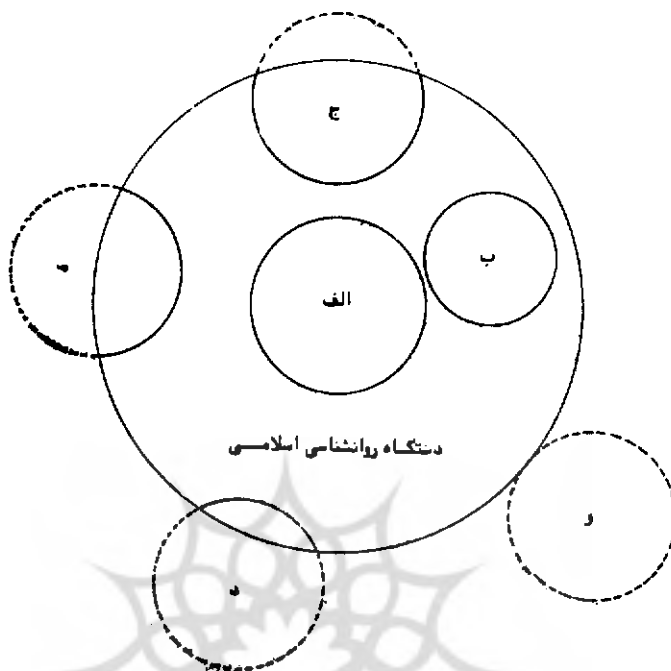
(Organ)، گونه‌ها (Species)، آگاهی (Consciousness)، شخصیت همکار (Mating personality) مناسب بودن (Fitness)، رقابت، غارتگر و سایر عنوانهای مشابه را به طور کامل و با عنوان‌های فیزیکی - شیمیائی نمی‌تواند توجیه نماید. به علاوه در فیزیک و شیمی، فرضیه و روش ارزیابی که به آن وسیله بتوان قوانین زیست‌شناسی را به طور منطقی استخراج نمود وجود ندارد (۳۷).

این اقرار منصفانه توسط یکی از مدافعان نظریه مکانیستی حیات، بسیار معنی‌دار است زیرا جنبه‌هایی که در فوق به آنها اشاره رفته است از جنبه‌های بسیار اساسی و روزمره زیست‌شناسی و روان‌شناسی هستند و هنگامی که نظریه مکانیستی حیات در توجیه این جنبه‌های اصلی ناتوان باشد از توجیه جنبه‌های پیچیده‌تر یقیناً ناتوان‌تر خواهد بود.

امام خمینی (رض) اصالت روان را امری بدیهی می‌داند و چنین می‌گوید:

«این از بدیهیات است که ماده و جسم هر چه باشد از خود بی‌خبر است. یک مجسمه سنگی یا مجسمه مادی انسان، هر طرف آن از طرف دیگرش محبوب است. در صورتی که به عیان می‌بینیم انسان و حیوان از همه اطراف خود آگاه است. می‌داند که جاست، در محیطش چه می‌گذرد، در جهان چه غوغائی است. پس در حیوان و انسان چیز دیگری است که فوق ماده است و از عالم ماده جدا است و با مردن ماده نمی‌میرد و باقی است (۱۷).

همانطور که امام خمینی (رض) به آن اشاره کرده است فقدان حس و آگاهی در یک مجسمه سنگی انسان، امری بدیهی است که در حقیقت ما آن را درک می‌کنیم و همچنین وجود فعالیت و آثار حیاتی در حیوان و انسان نیز قابل لمس می‌باشد و به نظر نمی‌رسد که حتی مدافعان نظر مکانیستی حیات این واقعیت‌ها را نفی نمایند. تنها مشکل آنها این است که می‌خواهند ما عامل حیات را به صورت مجزا در دست آنها قرار دهیم که با امکانات فعلی چنین امری ممکن نیست والا در هر لحظه لمس عامل حیات همراه با ملکولها در تمام فعل و انفعالهای موجود زنده



### دیاگرام شماره ۱: ارتباط مکتب روان‌شناسی واقع بینانه و معیار با سایر مکاتب روان‌شناسی

- چنان چه در دیاگرام شماره ۱ مشاهده می‌شود، مکتب‌های روان‌شناسی الف و ب به‌طور کامل و مکتب‌های روان‌شناسی «ج» و «د» و «ه» به درجات مختلف مورد پذیرش مکتب روان‌شناسی معیار واقع می‌شوند و در داخل آن قرار می‌گیرند. به ندرت ممکن است یک مکتب روان‌شناسی به‌طور کامل در مکتب روان‌شناسی معیار قرار گیرد و هیچ‌کدام از نقطه‌نظرهای آن مورد قبول قرار نگیرند.
- در مواردی که یک مکتب روان‌شناسی کاملاً در داخل مکتب روان‌شناسی معیار قرار می‌گیرد، از تمام یافته‌های آن می‌توان در توجیه فعل و انفعالات روانی انسان و یا در روش‌های تشخیصی استفاده نمود. به‌عنوان مثال، احتمالاً می‌توان تمام یافته‌های مربوط به مکتب‌های روان‌شناسی فیزیولوژیایی، روان‌شناسی تجربی و آزمون‌های روانی را در این زمینه مطرح ساخت. البته دیاگرام فوق، به‌صورت یک دید کلی، این ارتباط را نمایان ساخته است و با تحقیق کامل می‌توان موقعیت حقیقی هرکدام از مکتب‌های روان‌شناسی را معین ساخت.
- ۱- عدم سابقه قبلی
  - ۲- کمبود مقاله‌ها و کتاب‌های منتشر شده در زمینه انطباق
  - ۳- کم بودن ساعات تدریس دروس روان‌شناسی عمومی و روان‌پزشکی نظری که برای هرکدام فقط دو واحد درس ملحوظ شده و در نتیجه سهم جنبه‌های اسلامی نیز به‌طور اجباری محدود می‌شود.
  - ۴- اختلاف آرا در مورد نقطه‌نظرهای مربوط به روان‌شناسی به‌طور کلی و جنبه‌های اسلامی مربوط به آن.
- باتوجه به اینکه این طرح پژوهشی به‌عنوان پژوهش ابتدایی (Pilot) در نظر گرفته شده، وجود بعضی کاستی‌ها را می‌توان توجیه نمود. یقیناً در جلسه‌های تبادل نظر استادان دانشگاه‌ها و در ضمن تدریس کمبودها تعدیل خواهند شد.

### نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش که در ۱۰۵ مورد در طرح دروسهای مربوط به روان‌پزشکی نظری و ۲۴۲ مورد در درس روان‌شناسی عمومی دانشجویان پزشکی در مجموع ۳۴۷ مورد نقطه نظرهای اسلامی را کشف و در متن درس دروسهای فوق‌گنجانیده شده است نیاز به تأیید توسط استادان منتخب دانشگاه‌ها دارد. بنابراین فرآیند زیر به منظور امکان‌یاده شدن نتایج به دست آمده پیشنهاد می‌گردد:

### محدودیت‌ها و موانع طرح

باتوجه به این واقعیت که پژوهش فعلی، اولین پژوهش در راه انطباق متون درسی دانشجویان پزشکی با موازین شرع می‌باشد به علت عوامل زیر کمبودهایی دارد:



- ۱- بررسی نتیجه‌ها توسط استادان منتخب دانشگاه‌ها
- ۲- برگزاری نشست مشترک استادان با حضور مجری طرح و نماینده معاونت‌های آموزشی و پژوهشی وزارت بهداشت به منظور تنقیح نهایی طرح پژوهشی.
- ۳- پیشنهاد استادان به کمیته برنامه‌ریزی آموزشی وزارت بهداشت به منظور بررسی و اظهار نظر نهائی در مورد پیشنهادها انجام شده.
- ۴- تدوین کتاب روان‌شناسی عمومی و روان پزشکی نظری برای دانشجویان پزشکی و یا تدوین کتاب تکمیلی برای متن‌های درسی موجود براساس نقطه نظرهای اسلامی.
- ۵- برگزاری کارگاه آموزشی برای مدرسان‌دوره‌های فوق و تبادل نظر پیرامون روش تدریس آن.
- ۶- اضافه کردن میزان آموزشهای علوم وابسته به روان‌شناسی به دانشجویان پزشکی.
- در این زمینه قبلاً برنامه درسی تحت عنوان روان‌شناسی بالینی و بهداشت روانی برای دانشجویان پزشکی توسط هیأت متحنه و ارزشیابی روان‌شناسی بالینی که مجری طرح نیز در آن عضویت دارد تدوین و به معاونت محترم آموزشی وزارت بهداشت اعلام گردیده که تاکنون پیاده نشده است.
- ۷- برگزار کردن مجدد دوره فیزیوپاتولوژی روان پزشکی در ضمن دوره فیزیوپاتولوژی دانشجویان پزشکی نیز می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.
- فلسفی، اجتماعی، هنری برای همه ۱۳۳۰، ص ۲۲-۲۳.
- ۵- آ‌ای-اپارین: طبیعت، منشأ و تکامل آن. ترجمه هاشم بنی‌طرفی. انتشارات شرکت سهامی کتابهای جیبی، ص ۵۲-۵۳.
- ۶- اتوکلاين برگ: روان‌شناسی اجتماعی. نشراندیشه ۱۳۴۹، ج ۱ ص ۹۵-۹۶.
- ۷- آیزاک آسیموف. مواد حیات. ترجمه محمدحسین رجحان طلب، هوشنگ پرهام.
- ۸- آیت‌الله بروجردی: جامع‌الاحادیث، چاپ سنگی، ج ۱ ص ۳۳.
- ۹- جعفری، استاد محمدتقی: عقل و عاقل و معقول. نهضت زنان مسلمان، ص ۳ و ۹ و ۱۱۹ و ۲۳۵.
- ۱۰- حسن‌زاده آملی: معرفت نفس، مرکز انتشارات علمی فرهنگی ج ۳ ص ۴۷۲.
- ۱۱- دکتر سیدابوالقاسم حسینی: بررسی هدفمندی و خودنظم بخشی در سیستم عصبی مرکزی و فرآیندهای رابط بین شناخت و حرکت ارادی. فعالیت‌های عالی قشر مخ. مقاله‌های ارائه شده در نخستین سمپوزیوم نوروسیکولوژی در ایران. انتشارات انزلی، اردیبهشت ۱۳۶۵، ص ۱۰۶-۱۲۵.
- ۱۲- دکتر سیدابوالقاسم حسینی. بررسی مقدماتی اصول روان‌شناسی اسلامی. نشر فرهنگ اسلامی، نشر آستان قدس رضوی ۱۳۶۴، ص ۲۶۳-۵۳۹.
- ۱۳- دکتر سیدابوالقاسم حسینی. روان‌شناسی اسلامی برای دانشجویان. انتشارات دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ۱۳۷۷، ص ۵۵-۵۸.
- ۱۴- الحرانی: تحف‌العقول. انتشارات اسلامیه ۱۴۴۰ ه.ق. ص ۲۲۲ (ترجمه غفاری)
- ۱۵- حکمت نیا، استاد محمدباقر: افاضات در جلسات پزشکان- ۱۳۷۷.
- ۱۶- محمدرضا حکیمی: الحیات. دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ج ۱ ص ۱۱۴.
- ۱۷- خمینی، امام (رض): پیام به گورباچف رهبر شوروی سابق.
- ۱۸- امام خمینی (رض): طلب و اراده (ترجمه سیداحمد فهری) مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۵۷-۱۵۳.

### تشکر و قدردانی

لازم است از همکاران ارجمند آقایان دکتر نوربالا، دکتر تنابعی، دکتر اسداللهی، دکتر عبدالهیان که به نوعی در پیش برد این طرح کمک کرده‌اند سپاسگزاری نماید.

### منابع

- ۱- پروفیسور آراسته: نقش علم و صنعت در تجدید حیات ملتها، ۱۳۴۷، ص ۵
- ۲- دکتر نزهت آذرنیا و همکاران: شیمی عمومی. مدرسه عالی پارس، ۱۳۴۷، ص ۲-۱
- ۳- آمدی: غررالْحکْم. انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۰، ج ۱ ص ۵۹، ج ۲ ص ۲۳.
- ۴- ارانی: پسیکولوژی، (علم‌الروح) سلسله انتشارات علمی،

- ۱۹- دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی تهران: بررسی دید علمی (انتشارات داخلی) ۱۳۵۵، ص ۷-۱.
- ۲۰- شفیع آبادی، عبدالله. غلامرضا ناصری: نظریه‌های مشاوره و روان درمانی. مرکز نشر دانشگاهی ۱۳۶۵، ص ۹۴-۹۳.
- ۲۱- شهیازی، ملک نیا: بیوشیمی عمومی. انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۶۲، ص ۲۰-۱.
- ۲۲- شیخ صدوق: علل الشرایع. انتشارات مصطفوی، ۱۳۹۳ ه.ق. ص ۲۰ (ترجمه مسترحمی)
- ۲۳- علامه سید محمدحسین طباطبائی: تفسیر المیزان (ترجمه فارسی آقای موسوی) انتشارات محمدی ۱۳۶۲، ج ۱۱ ص ۳۱۶ و ۳۲۷.
- ۲۴- طریزی: مجمع البحرین. چاپ سنگی ۱۳۲۰ ه.ق. ماده حکم ص ۵۳۴.
- ۲۵- عاملی، شیخ حر: وسائل الشیعه. انتشارات اسلامیة، ۱۴۰۰ هجری قمری. ج ۱۱ ص ۱۲۴.
- ۲۶- العروسی الجزیری: تفسیر نورالثقلین. افسست علمیة قم. تاریخ انتشار ندارد.
- ۲۷- دکتر سیروس عظیمی: اصول روان شناسی عمومی، انتشارات دهخدا، ۱۳۵۶، ص ۱۷.
- ۲۸- فیض کاشانی، ملا محسن. تفسیر صافی (ترجمه ساعدی) ج ۱ ص ۱۴۱.
- ۲۹- حاج شیخ عباس قمی: سفینه البحار ج ۲ ص ۶۰۳.
- ۳۰- کلینی: اصول کافی. انتشارات اسلامیة. تاریخ انتشار ندارد ج ۱ ص ۷۸، ۱۰۹ ج ۲ ص ۱۵ (ترجمه مصطفوی).
- ۳۱- مجلسی، (علامه): بحارالانوار. انتشارات اسلامیة ۱۳۹۴ هجری قمری، ج ۱۱۱ ص ۶.
- ۳۲- مجلسی (علامه): توحید مفضل (بیانات امام صادق علیه السلام) انتشارات کعبه، ۱۳۶۲، ص ۲۸-۲۵.
- ۳۳- مزلو، آبراهام: انگیزش و شخصیت. انتشارات آستان قدس رضوی. ترجمه احمد رضوانی.
- ۳۴- استاد مرتضی مطهری: مجموع مقالات. انتشارات جهان آرا ص ۱۲۳-۱۰۵.
- ۳۵- استاد مرتضی مطهری: اصالت روح ص ۲۲-۱۱.
36. Alport- Gordon: The Individual and his Religion. The McMillan Company, 1970. pp. IX-X.
37. Dobzhansky: The Evolution 1977. pp 474-493.